

نامه توکل به نمایندگان درباره اسناد اتهامات مهدی هاشمی در فساد نفتی استات‌اولیل

جونپور چکاره بود؟



قوه قضائیه از ضعف نظارت بر مؤسسات مالی غیرمجاز انتقاد کرد

آشتی اقتصاد با رشد نقدینگی

صفحه ۵

جزئیات کسری ۲ ماهه سر بازی

صفحه ۴

گفت و گوی «وطن امروز» با محمدرضا سنگری

به ادبیات انقلاب اعتقاد ندارند

صفحه ۱۲

دیدار با فاطمه، دختر شهید عماد مغنیه نمی‌دانستم دختر معاون جهادی حزب الله هستم



یک ساعت و نیم مانده به نیمه شب ۱۲ فوریه ۲۰۰۸ (۲۳ بهمن) بود که انفجار یک خودروی شاسی‌بلند نقره‌ای رنگ در منطقه «کفر سوسه» دمشق، حزب‌الله لبنان را از رهبر عملیاتی بزرگش «عماد مغنیه» محروم ساخت. شبکه المنار لبنان در هفتمین سالگرد شهادت فرمانده عملیاتی حزب‌الله که با فاصله کمی از شهادت پدرش «جهاد» در راه مقاومت واقع می‌شود به شکل ویژه‌ای به یادگاری‌های شهید مغنیه از عکس و فیلم و خاطره پرداخته است اما وراى اینها به سراغ یادگار زنده او رفته است؛ دخترش فاطمه، با لبخندی که خیلی شبیه لبخند حاج عماد است. «مسئله علی» گزارشگر المنار در خانه فاطمه مغنیه به دیدار او رفت اما این دیدار باعث می‌شود دختر حج عماد یک هدیه بارزش را از نو کشف کند؛ یک جلد قرآن؛ «این قرآن هدیه آقا به پدرم بود». شرح این دیدار را به نقل از مشرق می‌خوانید:

بنازاکت و اعتماد به نفس فراوانی به استقبال‌مان می‌آید. لبخندی بر چهره دارد که می‌توانی در آن، ردغم «ژ دست دادن عزیز» را ببینی؛ از دست دادن برادر «دوستی که من از همه به او نزدیک‌تر بودم» و از دست دادن پدر؛ پدری که درست ۷ سال پیش بود که آخرین بار او را دید. از فاطمه می‌پرسم به پدرت که فکر می‌کنی، پیش از همه دلنگت چه می‌شوی؟ سکوت می‌کند. تصور می‌کند حاج رضوان روه‌رویش ایستاده می‌گوید: «سکوت زیبای. دلنگت سکوت زیبای می‌شوم. دلنگت حضورش و سحر وجودش. عاشق این بودم که نگاهش کنم. خیلی وقت‌ها از تل حل حس می‌کنم نیازم‌اند که چنین صحنه‌ای باز تکرار شود.» بعد باطمینان ادامه می‌دهد: «اینجا مردان خدا هستند.» فاطمه می‌داند که خیلی چیزها را از پدرش به ارث برده: «له‌لا شبیه او هستم... جهاد همه شبیه او بود.» فاطمه عماد مغنیه برمی‌گردد به آن روز. انگار همه جزئیات جلوی چشمش باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

اظهارات عجیب مشاور ابتکار

درباره بحران گرد و خاک

پس از کم‌کاری‌های سازمان محیط‌زیست:

وزیر بهداشت نخود هر آشی است!

دخالیت قاضی‌زاده هاشمی موجب شد ابتکار از رفتن به خوزستان امتناع کند

حضور وزیر بهداشت در خوزستان شوی رسانه‌ای بود

مثلا محیط‌زیست!

صفحه ۴



عکس: مصطفی غلام‌نژاد شمیر

اقتصاد مقاومتی نیازمند نقشه راه و نسخه عملیاتی

دکتر یحیی آل‌اسحاق *



به‌عنوان یک تاکتیک نظامی استفاده می‌کنند. بنابراین در ایران نیز باید دانش خود را طوری به کار گیریم و برنامه‌های اقتصادی و چشم‌اندازهای آتی را طوری ترسیم کنیم که در این موقعیت حساس دچار مشکل جدی نشویم و سنگ بنای قوی و مستحکمی را برای خود به کار گرفته و پایه‌ریزی کنیم، چراکه همانگونه که در دنیا افسران مطرح نظامی دانش بالایی دارند، حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی و تحقق این امر نیازمند تربیت افسران مطرح کارکنشده و کاربلد در حوزه اقتصاد و نیروی انسانی قوی برنامه‌ریز است تا بتوان در برابر تهدیدها، پدافندی قوی و نیروی اقتصادی ماهری را آموزش داد و به کار گرفت.

ما اکنون جزو کشورهایی هستیم که باید از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های‌مان به نحو شایسته استفاده کنیم و به این واقعیت باور عمیق داشته باشیم که پیشرفت و توسعه و مقابله با دشمن جز با اقتصاد مقاومتی آن هم با تمام قوا و تمام توان راه دیگری ندارد.

در فرمایشات رهبر انقلاب هم بارها بر این موضوع تأکید شده است که رویکرد متقابل در برابر تهدیدها و تحریم‌ها و پاسخ به دشمن به جد مطرح است. پس اگر قبول کنیم جنگ اقتصادی وجود دارد در این موقعیت خاص جهانی باید باور داشت که چنین تفکر درستی لازم است در جمع دانش نظامی و اقتصادی و بهره‌گیری از تفکر و تعقل افراد کاربلد و دلسوز استفاده شود و در یک عزم هماهنگی از توسعه اقتصادی به‌عنوان ابزاری درست برای مقابله با دشمن و رسیدن به اهداف عالیه به جای ابزار و وسایل سخت‌افزاری چون توپ و تانک استفاده کرد. اکنون باید ابزارهای نرم‌افزاری چون تحریک‌بخشی به نظام پولی و مالی، توسعه خدمات بازرگانی و چگونگی پوشش‌های بیمه‌ای در کنار تلاش در جهت افزایش میزان تولید ناخالص داخلی، اشتغال‌زایی و... مدنظر قرار گیرد. عده‌ای معتقدند جنگ سایبری یک جنگ جدید است، در صورتی که جنگ اقتصادی و اقتصاد مقاومتی که اکنون در کشور به آن توجه ویژه شده است شاید مهم‌تر از آن باشد. این موضوع باید بر مبنای علمی آموزش داده شود و افسران و نیروهای متخصص به خوبی برای مقابله با تهدیدها آماده آموزش داده شوند تا بتوان مدیران برجسته و مسلط بر علم اقتصاد و آگاه از چارچوب امنیت ملی را به خوبی تربیت کرد. این افراد باید همچون مرزبانان میهن‌دوست از یک طرف مواظب حملات

چرا که پس از ۳۵ سال تجربه تهدید و تحریم از سوی دشمن دارای بنیه‌ای قوی هستیم و به‌خوبی راه‌ها را برای مقابله با تهدیدها بلدیم تا بتوان آسیب‌ها را مرتفع کرد زیرا نقاط ضعف و قوت را به‌خوبی دانسته و آگاه به امور و برنامه‌ها هستیم.

به هر حال ما باید برای تحقق اقتصاد مقاومتی آرمانگرا و واقعیت‌گرا باشیم و تهدیدها را نه زیر یک خیمه آرمانی به فرصت تبدیل کنیم، ایران پیرو اقتصاد سرمایه‌داری نیست که با اقتصاد مقاومتی دچار شکست یا ضعف شود. بنابراین نسخه عملیاتی آماده و پخته‌ای اکنون در اقتصاد مقاومتی موجود است اما آنچه مهم است این است که بعد از ابلاغ عملیاتی کردن آن چگونه چالش‌ها و فرصت‌ها را به‌خوبی شناسایی کنیم.

از طرفی عزم مدیران اجرایی تمام قوا و عامه مردم، بخش خصوصی و نهادهای مردمی که به‌عنوان یک هدف ملی به اقتصاد مقاومتی می‌نگرند بسیار حائز اهمیت است. به هر حال باید به منافع ملی و حیاتی توجه ویژه‌ای شود و منافع حیاتی در موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح است از روستاییان و شهرنشینان، کشاورزان، استادان دانشگاه، نخبگان و روحانیون و عامه مردم هر کدام در حد خود احساس مسؤولیت می‌کنند، در بحث منافع ملی نیز همین‌گونه است.

علاوه بر این برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی مدیران متبخر که این نسخه را عملیاتی می‌کنند باید افسران عملیاتی کاربلد و باتجربه‌ای کشور ایجاد کرده است یا از طرفی بحث خرید نفت ایران را در جهان مطرح کرده است. در چنین شرایطی با توجه عمیق به بحث اقتصاد مقاومتی باید کور‌راه‌ها را شناسایی کرد و با زیرکی و توان و جسارت هر چه بیشتر نقاط ضعف و قوت شناسایی و نسبت به رفع موانع و مشکلات ایجادشده چاره‌اندیشی اصولی شود. مثلا ایران اکنون دارای

منابع و ذخایر فراوان نفت و گاز، پتروشیمی، سنگ‌آهن و... است پس باید طوری رفتار و برنامه‌ریزی شود تا دنیا متقاضی کالا و محصولات و منابع ما شود؛ اقتصاد مقاومتی یعنی این. یعنی اینکه شیوه جلوگیری از حملات دشمن به خوبی شناسایی و برای چاره‌جویی و مقابله با آن تلاش شود البته تلاش و کوششی که بتوان بنیه اقتصاد کشور را قوی کرد تا در برابر تهدیدها و تحریم‌ها شکنندگی احساس نشود.

نکته مهمی که باید مورد توجه جدی قرار گیرد، ایجاد یک نقشه راه پیشرفت و مقابله با تهدیدهاست. به هر حال در یک ساختار درست، افسران و برنامه‌ریزان باید پیش‌تاز و از یک نسخه عملیاتی درست و منسجم برخوردار باشند و همراه و همگام با نقشه راه اصولی، شکل اجرایی به برنامه خود دهند. ما اکنون نسخه عملیاتی ویژه‌ای داریم،

* رئیس اتاق بازرگانی تهران



معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری پایتخت در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

مترو در اولویت دولت نیست!

صفحه ۴

مروری بر بحران ریزگردها مدیریت بحران از سعدآباد!

منصور ستوده

در شرایطی که روحیه مردم استان‌های غرب و جنوب کشور به علت بروز بحران ریزگردها بیش از زندگی آنها صدمه دیده است، دولت پس از انتشار یک پیام توثیقی در صفحه رئیس‌جمهور با مضمون هم‌منفسی با «مردم خوزستان» و بازتشر آن در سایر اکانت‌های منتسب به حسن روحانی، تازه از روز گذشته در خبرگزاری خود به انتشار راهکارهای حل بحران در «خوزستان» پرداخت؛ در حقیقت به‌رغم گذشت یک هفته از بروز حادثه پیش‌بینی نشده «توفان ریزگردها» به واسطه عدم تشکیل یک کمیته بحران ملی هنوز دولتی‌ها از عمق ماجرا مطلع نیستند و مرحله شناسایی بحران را نیز پشت سر گذاشته‌اند! بحرانی که از استان خوزستان شروع شده بود، به علت ناکارآمدی و بی‌کفایتی مدیران تهران‌نشین، در استان ایلام و بوشهر منجر به بروز فجایعی بدتر از اهواز نیز شد اما هنوز اخبار آن به علت نگاه مجازی تیم دولت به بحران‌های ملی، در پایتخت به صورت گسترده منتشر نشده است!

نماینده مردم آبدانان استان ایلام با خبردهی از لوح‌گیری بحران ریزگردها در استان بوشهر در چند روز اخیر نسبت به نام نبردن از مردم استان ایلام در بحبوحه قطع آب و برق و گاز جمعیت ۷۰ هزار نفری شهرهای این استان که در خانه‌های خود زندانی شده بودند، اعتراض کرد: «متأسفانه توجه دولت تنها بر خوزستان متمرکز بود و در ایلام ستاد بحران کشور و استان نه‌تنها غافلگیر شد بلکه هیچ واکنش منطقی هم از خود نشان نداد و بر اثر بی‌دست و پایی آنها مردم ۳ روز گرسنگی کشیدند» اینها گفته‌های علی محمد احمدی است که تأکید می‌کند: «۷۲ ساعت برق قطع شد و تا زمانی که به دفتر رئیس‌جمهوری زنگ نزد، اقدامی برای بازگشت وضع عادی به این شهرها صورت نگرفت. به دلیل نبود برق، شبکه گاز و آب و مخابرات نیز قطع و آنتن‌های مخابرات، حتی نتایج‌ها، مخابرات، پمپ بنزین‌ها، بانک‌ها، مراکز تصویربرداری و آزمایشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و به‌طور کل همه‌چیز تعطیل شد!»

احمدی با اعتراض جدی نسبت به عدم تشکیل بموقع ستاد مدیریت بحران ملی متذکر شده که این اتفاق در بلایده‌ترین شهرها نیز رخ نمی‌دهد! ستاد مدیریت بحران برای مدیریت چنین وضعیتی تدارک دیده شده است اما عکس‌العمل به این حادثه بسیار کند بود و مراکز نظارتی و مدیریت بحران غافلگیر شدند!

بحران با فاصله چند روزه از خوزستان به ایلام و بوشهر رسید با این حال بنا بر اخبار منتشرشده در معدود رسانه‌های استانی، هیچ تمهیدی برای مقابله با آن از سوی مسؤولان در نظر گرفته نشده بود به نحوی که مردم خونگرم بوشهر به صورت خودجوش مدیریت اسکان و پوشش‌دهی به مسافران گناه و برخی شهرستان‌ها را عهده‌دار شدند! در ایلام و بوشهر حتی همان مسکاهی بدون فیلتر و غیره موثر یک لایه نیز بین مردم توزیع نشده و بنا به گفته‌های نمایندگان بومی مجلس، مردم به علت عدم سرویس‌دهی مراکز خدماتی با مشکلاتی همچون بی‌آبی و گرسنگی و عدم دسترسی به خدمات بیمارستانی نیز مواجه شده‌اند. شاید بدترین بخش از مدیریت دولت در مواجهه با این حادثه برنامه‌ها را بتوان در ضعف اطلاعاتی جست‌وجو کرد. با توجه به ابتکار مدیریت از راه دور سازمان محیط‌زیست و بی‌اعتنایی به اصول علمی «مدیریت در کانون بحران» ظاهراً منابع اخبار دولتی‌ها از استان‌های فاجعه‌زده، پیام‌های منتشر شده در اینستاگرام و تویتر و فیس‌بوک بوده است و به همین جهت استان‌هایی که مردم آن دلبستگی کمتری به مولفه‌های زندگی مجازی دارند، از پوشش خدمات دولتی به شکل فاجعه‌باری جان‌مانده‌اند! این بار فائزنی مدیریت رسانه برآمده از فکر مشاوران دولت که سال‌هاست از تهران خارج نشده‌اند و سفرهای استانی را با توجه به پیشرفت علم ارتباطات، مستخره می‌کنند، به

محبوبیت شخص رئیس‌جمهور، صدمه‌های عمیق وارد کرده است. هر چند حتی خوزستانی‌ها نیز «پیام هم‌منفسی» توثیقی روحانی از تهران را نپسندیدند و اگر رئیس‌جمهور خود مدیریت را اکتفا بر برعهده داشت، با سروری کوتاه بر نظرات مردمی متوجه مشاوره‌های غلط ارائه شده می‌شد!

ادامه در صفحه ۱۶